Social crisis management

1986
Imam Hossein
Comprehensive
University

1

Vol. 14
Spring 2022

Investigating the Involvement of Grassroots Groups in Coronavirus Crisis Management

Hossein Zafari [1] | Mohammad ValiPour [2]

Research Paper

Received:
9 November 2021
Revised:
1 December 2021
Accepted:
28 December 2021
Published:
3 June 2022
P.P: 11-42

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285

CC BY NC

Abstract

The participation of the people in the critical moments of the Islamic Revolution has always been useful and effective. In many crises, public participation has been a significant reduction in damages and costs, and crisis management has been costly and difficult wherever large public capacities have not been addressed. The purpose of this study is to investigate how people participate in natural crisis management. To achieve this goal, in the qualitative section, while interviewing various groups of people active in the Corona crisis and several meetings of the conflict of votes have been held; A small part of the questionnaire is used to describe the participation of the statistical population of the participants in the popular front against Corona.. The results of the questionnaires shows that the presence of grassroots groups in the management of the corona crisis is significant, significant and effective, and not only can this participation not be ignored, but the government can easily take measures to increase the presence of grassroots groups in terms of Quantitative and qualitative upgrade significantly.

Keywords: Participation, People's Groups, "Crisis Management, Corona, People.

1. Assistant Professor, Department of Crisis Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran.
2. Corresponding Author, MA in Crisis Management, Faculty of Social and Cultural Sciences, Imam Hussein University, Tehran, Iran. M.valipour69@gmail.com

Cite this Paper: Zafari, H & ValiPour, M. (2022). Investigating the Involvement of Grassroots Groups in Coronavirus Crisis Management. *Crisis Management and Emergency Situations*, *15*(1), 11–42.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**

۱

سال چهاردهم
بهار ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰
صص: ۲۸-۱۱

شاپا چاپی: ۳۵۶۴-۲۰۰۸
الکترونیکی: ۵۲۸۵-۲۶۴۵

بررسی مشارکت گروه های مردمی در مدیریت بحران کرونا

حسین ظفری [۱] | محمد ولی‌پور [۲]

چکیده

مشارکت مردم در مقاطع حساس انقلاب اسلامی همواره مفید و مؤثر بوده است. در بسیاری از بحران‌ها، مشارکت مردمی موجب کاهش قابل‌توجه خسارات و هزینه‌ها بوده و هرجا که به ظرفیت‌های عظیم مردمی توجه نشده مدیریت بحران هزینه‌بر و دشوار بوده است. در این پژوهش، به بررسی نحوه مشارکت مردم در مدیریت بحران‌های طبیعی پرداخته‌ایم. به این منظور با روش پیمایش از پرسشنامه برای توصیف مشارکت جامعه آماری مشارکت‌کنندگان در جبهه مردمی مقابله با کرونا استفاده شده است. توزیع پرسشنامه میان مشارکت‌کنندگان در مقابله با بحران بوده و برای ارزیابی نظرات و دیدگاههای آنان نسبت به کنش جبهه‌ای که در این زمینه صورت گرفته است. بررسی نتایج پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که حضور گروه‌های مردمی در مدیریت بحران کرونا قابل‌توجه، چشمگیر و مؤثر بوده و نه‌تنها نمی‌توان این مشارکت را نادیده گرفت بلکه دولت به‌سادگی می‌تواند با انجام اقداماتی حضور گروه‌های مردمی را از لحاظ کمی و کیفی تا حد قابل‌توجهی ارتقا دهد.

کلیدواژه‌ها: مشارکت؛ گروه‌های مردمی؛ مدیریت بحران؛ کرونا؛ مردم.

۱. . استادیار، گروه مدیریت بحران، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت بحران، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران
M.valipour69@gmail.com

استناد: ظفری، حسین و ولی پور، محمد. (۱۴۰۱). بررسی مشارکت گروه‌های مردمی در مدیریت بحران کرونا. *فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری*، ۱۴(۱)، ۴۳-۱۱.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

© نویسندگان

مقدمه

یکی از کلیدواژه‌های شناخته‌شده و پراهمیت در عصر جدید مفهوم بحران است. بحران به معنی شرایطی خارج از وضعیت عادی است که الگوهای مدیریتی متداول به هنگام بروز آن کارایی خود را از دست می‌دهند. مدیریت بحران به دلیل محدودیت‌های ناشی از فشار زمانی، کنترل محدود و نبود اطمینان زیاد، بسیار مشکل‌تر از مدیریت در شرایط عادی است. با بررسی بحران‌های گذشته شاید بتوان گفت که بحران اولاً معمولاً غیرقابل پیش‌بینی است و نمی‌توان گفت که کی و کجا اتفاق می‌افتد. ثانیاً، آثار مخربی داشته و مردم یا سیستمی که تا قبل از بحران شرایط طبیعی داشتند با وقوع بحران نیازمند کمک می‌شوند.

همان‌گونه که انسان‌ها در طول تاریخ با بحران‌های متعددی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، ملت ایران نیز در دهه‌های گذشته بحران‌های متعددی در حوزه‌های مختلف داشته است. یکی از بحران‌هایی که در قرن اخیر، این کشور را بارها گریبانگیر خود کرده؛ بحران‌های طبیعی نظیر سیل، زلزله و... است. در سال‌های اخیر به‌خوبی پیامد بحران‌های طبیعی مختلفی را که منشأ آثار مختلفی شده‌اند می‌توان مشاهده نمود.

با شروع فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی، تجربه‌ای جدید از مدیریت بحران‌ها با محوریت دین و نقش فراگیر مردم اتفاق افتاد. در این میان، نقش آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از عناصر مؤثر و اثرگذار در این فرآیند به‌عنوان یار بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و بعدها رئیس‌جمهور و رهبر حکومت که مدیریت کلان کشور را عهده‌دار بودند، کم‌نظیر، برجسته و قابل‌توجه است. طبیعی است که مدیریت نظامی نوپا و جوان که با بحران‌های متعددی روبه‌روست، مستلزم بهره‌گیری از الگویی جدید و منسجم از مدیریت بحران است. ایشان نیز با تسلط در برخورد با بحران‌ها و مهار، کنترل و تدبیر آن‌ها به طراحی نگاهی نوین از مدیریت بحران طبیعی در عرصه ترسیم ابعاد و عمل پرداختند.

مدل رهبری امامین انقلاب از آغاز نهضت انقلاب اسلامی استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مردمی بوده است که حضور حداکثری مردم برای سرنگونی رژیم پهلوی، ختم غائله‌هایی چون آمل و کردستان و به طور کامل‌تر، هشت سال دفاع مقدس نمونه‌هایی روشن از آن است.

به‌طوری‌که حتی با این نگاه جمهوریت را اراده عمومی (ملت یا مردم و گروه‌های مردمی) تفسیر کرده‌اند و حتی می‌توان آن را در جمهوری اسلامی به‌عنوان راهبرد اصلی برشمرد. چراکه تحقق عینی و خارجی و سازمان یافتن حاکمیت دین در جامعه، جز با همراهی دست قوی و دلِ مشتاق مردم ممکن نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۶۰).

به‌طور معمول هرجا که بحران وجود دارد برای مدیریت آن نیاز به به‌کارگیری بهینه و اثربخش منابع خصوصاً منابع انسانی می‌باشد که به نظر می‌رسد یکی از ابزارهای قدرتمند برای مدیریت بحران، تشکل‌های فرهنگی مردمی باشند که در یک سیر تکاملی در بحران‌های اخیر حضور غیرقابل‌انکار و اثرگذاری داشته‌اند. به‌طورکلی مشارکت اقشار مختلف جامعه می‌تواند یکی از مباحث مطرح در مدیریت بحران باشد. مشارکت جامعه را می‌توان سهیم شدن مردم یا گروه‌های سازمان‌یافته مردمی نظیر تشکل‌های فرهنگی مردمی در تمامی یا بخشی از فرایندهای مربوط به چرخه مدیریت بحران تعریف کرد. روندی که طی آن مردم در معرض خطر یا متأثر از بلایا، خودجوش یا هدایت‌شده در فرایندهای مربوط به تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا شرکت می‌کنند و به‌تنهایی یا با کمک سازمان‌های دولتی و غیردولتی محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی سعی در پیشگیری از بحران یا در صورت وقوع آن، بازگرداندن جامعه به شرایط قبل از رخداد را دارند. ازآنجاکه فرصت‌ها و زمینه‌های مشارکت مردم از جامعه‌ای به جامعه دیگر و حتی از گروهی به گروه دیگر متفاوت است، ازاین‌رو برای جلب مشارکت هر گروه شناسایی مؤلفه‌های مؤثر ضروری است (جهانگیری و همکاران، ۱۳۸۹).

با توجه به تجارب گذشته، این‌گونه به نظر می‌رسد که گروه‌های گوناگون جامعه می‌توانند نقش بسیار مهمی در مدیریت بحران‌ها ایفا کنند. در نتیجه، در کشورهایی که قشرهای مختلف مردم مستقیم در فعالیت‌های حوزه مدیریت بحران مشارکت داشته باشند بحران را بهتر می‌توان مدیریت کرد و هر کدام توانمندی‌های خود را برای درک سوانح متفاوت و همچنین واکنش به آن نشان دهند؛ بنابراین، باید نیازها، نگرش‌ها و نقش‌های گوناگون مردم در جامعه شناسایی شود تا راه برای ارتقای روش‌ها و برنامه‌های کاهش خطر بحران‌ها هموارتر شود (استوار ایزدخواه، ۱۳۸۹). در این زمینه، همکاری حکومت با تشکل‌های مردمی می‌تواند در به‌کارگیری و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با بحران نقش مهمی ایفا کند. از سوی دیگر، اگر این برداشت را از

توسعه به معنای «فرایندی که طی آن از میزان آسیب‌پذیری‌ها کاسته و بر میزان ظرفیت‌ها افزوده می‌شود» (اندرسون و پیتر[1]، ۱۹۹۸: ۱۰۱۰) پذیرفته باشیم، باید اذعان کنیم که با توجه فزاینده به رویکردهای مشارکت حداکثری مردم در فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تأکید بر اهمیت مشارکت به‌منزله یکی از اهداف پیشرفت، بدون تردید نقش تعیین‌کننده تشکل‌های فرهنگی مردمی در مقام بخشی از اجتماع انسانی در این فرایند اهمیت مضاعف خواهد داشت.

در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود نحوه کنش مشارکت‌کنندگان و مفهوم‌سازی از فعالیت‌های صورت گرفته صورت در بحران کرونا صورت پذیرد.

تعاریف و ادبیات تحقیق

تعریف بحران

معمولاً از کلمه بحران برداشت‌های علمی متفاوتی ارائه می‌شود و تلاش مختلفی برای ارائه یک تعریف جامع و فراگیر صورت گرفته است. این برداشت‌ها به صور گوناگون قابل‌بررسی و ارائه می‌باشد. فرهنگ لغات، کتاب‌ها، منابع علمی و آموزشی و منابع منتشرشده از سوی مراجع بین‌المللی را می‌توان از جمله این دیدگاه‌ها دانست که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

در فرهنگ آکسفورد بحران به یک واقعه یا اتفاق غیرقابل‌پیش‌بینی مانند تصادف، آتش‌سوزی یا وقوع سیل تعبیر شده است که در اثر آن ممکن است افرادی کشته شده یا خساراتی ایجاد شود (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۳۳). بحران[2] از ریشه یونانی به معنی «تصمیم عاجل» می‌آید. بحران یعنی بروز یک آشفتگی یا پریشانی و یا اختلال فیزیکی و روانی ناگهانی و شدید که روند و سیر شرایط عادی را به هم می‌ریزد (لاروس، ۲۰۰۳: ۳۸۶). از نظر سازمان ملل متحد بحران یعنی وقفه کامل یا بخشی از فعالیت‌های گروه یا جامعه که همراه با ضایعات جانی، خسارات مالی و آسیب‌های محیطی گسترش یافته و جامعه مربوطه با منابعی که در اختیار دارد، قادر به جبران آن نمی‌باشد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۸).

1. Anderson and Peter
2. Crisis

در کشور ایران نیز یکی از منابعی که برای این واژه، تعریفی بر پایه برداشت‌های علمی اما بیشتر از حیث یک چارچوب حقوقی و قانونی ارائه کرده، قانون تشکیل مدیریت بحران کشور است. بر پایه تعاریف و مفاهیم این قانون؛ بحران ازهم‌گسیختگی جدی عملکرد یک جامعه است که ناشی از وقوع مخاطره می‌باشد و منجر به خسارات و اثرات منفی گسترده انسانی، اقتصادی یا زیست‌محیطی می‌شود، به‌طوری که مواجهه با آن فراتر از توانایی جامعه متأثر و دستگاه‌های حاکمیتی مسئول باشد (قانون مدیریت بحران، ۱۳۹۸).

هرگونه تغییر ناگهانی در اثر رخ دادن حوادث غیرمترقبه که باعث اختلال در شرایط عادی جامعه شود و نیاز به اقدام ضروری داشته باشد، بحران تلقی می‌شود (پورمحمد و هوشمند مرودستی، ۱۳۸۳). بحران حادثه‌ای است که موجب سردرگمی و حیرت افراد می‌شود، قدرت واکنش منطقی و مؤثر را از آنان سلب می‌کند و تحقق اهدافشان را به خطر می‌اندازد (هرمان، ۱۹۶۳، به نقل از رحیمی، ۱۳۹۷). بحران یک وضعیت اضطراری و آنی با زمان وقوع نامشخص است (میلر و ایسکو، ۱۹۶۳، به نقل از رحیمی، ۱۳۹۷). بحران به مخاطره افتادن و ازهم‌پاشیدگی کلیت یک سیستم است (فینک و همکاران، ۱۹۷۱، به نقل از رحیمی، ۱۳۹۷). بحران تهدیدی برای بقای سازمان است (نای استروم و استارباک، ۱۹۸۴، به نقل از رحیمی، ۱۳۹۷). بحران نوعی شکستن چارچوب‌ها و قالب‌ها است (بورنت[1]، ۱۹۹۸: ۴۷۹). بحران در حقیقت ایجاد فشار روانی-اجتماعی بزرگ و ویژه‌ای است که باعث درهم‌شکسته شدن انگاره‌های متعارف زندگی و واکنش‌های اجتماعی می‌شود و با آسیب‌های جانی و مالی، تهدیدها، خطرها و نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آورد (گولد و کوئین، ۱۹۹۰، ۲، به نقل از رحیمی، ۱۳۹۷). بحران پدیدهٔ ازهم‌گسیخته‌ای است که به‌صورت فیزیکی بر کل یک سازمان اثر می‌گذارد و مفروضات پایه‌ای، احساس وجود ذهنی و محور حیاتی وجود آن را مورد تهدید قرار می‌دهد (پوچانت و میتروف، ۱۹۹۲).

بحران موقعیتی است که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها با آن مواجه گشته و با استفاده از رویه‌های عمل معمول قادر به مقابله با آن نیستند. بروز استرس فراوان ناشی از تغییرات ناگهانی، در ذرات چنین موقعیت‌هایی نهفته است (بوث، ۱۹۹۳: ۸۶). بحران رویداد یا واقعه‌ای ناگهانی است که با آسیب‌های جانی و مالی گسترده همراه بوده و نیازمند انجام اقدامات فوری است. این قبیل حوادث

1. Burnett

طبیعی که منجر به بروز وضعیت بحرانی در جامعه می‌شوند، حداقل به‌طور بالقوه و اغلب خطرناک، ویرانگر و کشنده هستند (الکساندر، ۲۰۰۲: ۳۸). بحران موقعیتی غیرعادی است که ریسک فوق‌العاده‌ای را به سازمان تحمیل می‌کند و درصورتی‌که به‌درستی مدیریت نشود آثار زیان‌بار آن تمامی سازمان را فرا می‌گیرد (شالوف، ۲۰۰۳). بحران یک اتفاق برنامه‌ریزی نشده اما نه الزاماً غیرمنتظره است که نیاز به اتخاذ تصمیمات استراتژیک و سریع دارد. در این شرایط تصمیم نادرست می‌تواند آسیب جدی به سازمان وارد کند (دیویس، ۲۰۰۵).

بحران بنا بر اعتبار مفهوم کلمه به مرحله پیچیده‌ای از یک کار که یک رویداد از آن عبور می‌کند، وضعیتی که خارج شدن از آن دشوار است، خطر آنی و رخدادهایی که در جهت رفتن به سوی خرابی ناگهانی به میدان می‌آید گفته می‌شود. بحران به معنی ناراحتی بیان شده در جهت بهبود و یا از بین رفتن به هنگام وجود یک تغییر و پیشرفت مهم نیز می‌باشد (گیبسون، ۲۰۰۶). بحران سازمانی یک رویداد با درجه احتمال کم و تأثیرگذاری زیاد است که تهدیدی برای بقای یک سازمان است و ویژگی آن ابهام در عوامل به وجودآورنده، میزان تأثیر آن بر سازمان و چگونگی مقابله با آن است. در این شرایط تصمیمات باید به سرعت اتخاذ گردد (پاراسکو، ۲۰۰۶).

تعریف مدیریت بحران

به مجموعه طرح‌ها و روش‌های پیشرفته و خاصی گفته می‌شود که برای پیشگیری و مهار بحران مورد استفاده قرار می‌گیرند (نودل، ۱۹۹۸). در واقع مدیریت بحران فرایند برنامه‌ریزی، عملکرد و اقدامات اجرایی است که به‌منظور شناخت و کاهش مخاطرات، مدیریت عملیات مقابله و بازسازی و بازتوانی منطقه آسیب‌دیده صورت می‌پذیرد (کریستن‌سن و مات، ۲۰۱۸). دیگر، مدیریت بحران نظام حاکم بر راهبردها، رویکردها، برنامه‌ها و اقداماتی است که با هدف پیش‌بینی، پیشگیری و کاهش خطر، آمادگی و پاسخ کارآمد و بازتوانی و بازسازی پس از وقوع حوادث و سوانح، به‌صورت چرخه‌ای صورت می‌گیرد (قانون مدیریت بحران، ۱۳۹۸).

مدیریت بحران مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجرایی، تصمیم‌گیری مدیریتی و سیاسی است که در قالب مراحلی در راستای نجات، کاهش دادن خسارت، جلوگیری از وقفه در زندگی، تولید و

خدمات و ارتباطات و پشتیبانی از محیط‌زیست و در نهایت بازسازی خرابی‌ها انجام می‌گردد (فوستر، ۱۹۸۰). مدیریت بحران را می‌توان برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، هماهنگی، کنترل و پشتیبانی تعریف کرد (رحیمی، ۱۳۹۷).

مدیریت بحران مجموعه‌ای از فرایندها برای تشخیص مطالعه یا پیش‌بینی بحران‌ها و مجموعه‌ای از اقداماتی است که سازمان را قادر به جلوگیری یا اداره مؤثر بحران‌ها می‌کند (کاش و دارلینگ، ۱۹۹۸). مدیریت بحران عبارت است از تلاش نظام‌یافته توسط اعضای سازمان، همراه با ذی‌نفعان خارج از سازمان در جهت پیشگیری از بحران‌ها و یا مدیریت اثربخش آن‌ها در زمان وقوع (پیرسون و کلر، ۱۹۹۸: ۶۱، به نقل از رحیمی، ۱۳۹۷).

مدیریت بحران دربرگیرنده برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل دارایی‌ها و فعالیت‌های قبل، حین و بعد از مواجهه با رویدادهای غیرمترقبه به‌منظور کاهش زیان‌های وارده به سازمان و بازسازی کامل سازمان است (رحیمی، ۱۳۹۷). مدیریت بحران واکنشی است که هدف آن کاهش اثرات بلایای طبیعی و انسان‌ساز با انجام برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و بسیج کلیه امکانات و تجهیزات است (رحیمی، ۱۳۹۷). مدیریت بحران فرآیندی است برای رویارویی با وضعیتی دشوار و پرفشار که همه برنامه‌های سازمان‌دهی کنترل‌های گروهی از عملیات با کنش و واکنش متقابل را بسیج نموده و برای تصمیم‌گیری مناسب در اختیار مدیرانی می‌گذارد که باید سریع ولی بدون شتاب‌زدگی اقدام نمایند (ناصحی‌فر، ۱۳۸۰: ۵۲). مدیریت بحران به مجموعه اقدام‌هایی اطلاق می‌شود که قبل از وقوع، در حین وقوع و بعد از وقوع سانحه، جهت کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن انجام می‌گیرد (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۰).

بحران‌های طبیعی

بحران‌های طبیعی اصولاً تغییری هستند در شرایط محیطی که سبب گسسته شدن روند زندگی طبیعی مردم و قرار گرفتن آن‌ها در معرض عناصر مضر و خطرناک محیط می‌شود. یا به‌عبارتی‌دیگر حوادثی که در یک زمان و مکان، جوامع را دچار خسارت می‌نمایند و در حرکت جامعه اختلال ایجاد می‌نمایند (کریس، ۱۹۸۴). همچنین بحران‌های طبیعی را می‌توان به نحو زیر تعریف کرد:

«بحران طبیعی عملی از طبیعت است با چنان شدتی که وضعی فاجعه‌آمیز ایجاد می‌کند و در این وضع شیرازه زندگی روزمره ناگهان گسیخته شود و مردم دچار رنج و درماندگی شوند و در نتیجه به غذا، پوشاک، سرپناه، مراقبت‌های پزشکی یا پرستاری و سایر ضرر و زیان زندگی به محافظت در مقابل عوامل و شرایط نامساعد محیط محتاج می‌گردند (هادی‌زاده بزاز، ۱۳۸۶: ۱۴).

بحران کرونا

شیوع ویروس کرونا و پیامدهای اجتماعی و مرتبط با سلامت آن باید به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع اجتماعی بشر در قرن بیست و یکم در نظر گرفته شود. این بحران در واقع نمونه بسیار کاملی از یک بحران چندجانبه برای ارزیابی فعالیت‌های مردمی در بحران‌ها است. ضمن اینکه این بحران در نوع خود پدیده ای نو و چندبعدی است که ابعاد آن در ابتدای بحران خیلی روشن نبود. گستره و حجم این بحران بسیار قوی‌تر از موارد مشابه همین دسته از ویروس‌ها که شامل سندرم حاد تنفسی سارس، آنفلوانزای پرندگان و آنفلوانزای خوکی در سال‌های گذشته بود.

این بحران همچنین فرصت‌هایی را نیز فراهم کرده که توجه به آن می‌تواند موجب شکل‌گیری و استقرار الگوی تمدنی جدید و غفلت نسبت به آن انحطاط تمدنی دیگر را در پی داشته باشد. به نظر می‌رسد شرایط امروز جهان و چالش‌های ناشی از زیست کرونایی، یکی از این فرصت‌های تاریخی است. نمونه‌ای کم‌نظیر که تاریخ تمدن، مشابه آن را تنها در حوادثی همچون دوران رنسانس و جنگ‌های بین‌المللی در قرن‌های اخیر به ثبت رسانده است.

بر این مدعا می‌توان دلایلی اقامه کرد که به صورت مختصر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. فراگیری بیماری کرونا و تبدیل شدن آن به یک مسئله فراگیر و جهانی

۲. خلق مسائل جدید و عدم پاسخ‌گویی نظامات اجتماعی حاکم در مواجهه با آن‌ها

۳. نقش‌آفرینی غیرمؤثر قدرت‌های غربی و نهادهای بین‌المللی در مدیریت این بحران

۴. اثبات ناکارآمدی نظامات حکمرانی حاکم بر جهان بدون استفاده از ظرفیت‌های عظیم مردمی

دلایل فوق و دلایل متعدد دیگری از این دست این فرضیه را به اثبات می‌رساند که ما در آستانه فرصتی تاریخی برای به چالش کشیدن تمدن غرب و بازطراحی نظامات حکمرانی هستیم. فرصتی که غفلت از آن موجب یک سرزنش تاریخی خواهد شد.

نظر به آن‌که این مسئله پدیده‌ای چندوجهی است، هرگونه پرداخت تک‌ساحتی به آن خطایی راهبردی می‌باشد که تبعات گسترده‌ای در پی خواهد داشت. روابط، مناسبات و تعاملات اجتماعی تحت‌الشعاع فضای روانی حاصل از این بحران قرار گرفت و درعین حال، یک بحران اقتصادی در مقیاس جهانی شکل گرفت. تنش‌های کشورها در تأمین ملزومات خود نظیر غذا، تجهیزات و دارو شدت گرفت و حتی زنجیره‌های تأمین شرکت‌های بزرگ نیز تحت‌الشعاع قرار گرفت و حتی در آینده نیز ممکن است برای پیشگیری از تعطیلی، تغییر روش دهند. در همین راستا، کشورها مرزهای خود را بستند و محدودیت‌های شدیدی بر مبادلات اقتصادی گذاشتند. تمام این موارد منجر به آن شد که سیاست‌ها ملی‌گرایانه‌تر و کمتر جهانی‌شده[1] شوند. این موضوع به‌مرور زمان می‌تواند شرایط بسیار خطرناکی را با بحران‌های جانبی متعددی پدید آورد (دوناث و گوستاوسون، ۲۲۰۲۰: ۲۸۶). درعین حال این ویژگی‌ها پیامدهای اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی نیز بر فرهنگ های بومی گذاشت. چنین تبعاتی در جمهوری اسلامی ایران نیز اجتناب‌ناپذیر بوده و ضرورت مقابله با آن را نه صرفاً در سطوح مدیریت متمرکز حاکمیتی، بلکه با حضور مجموعه‌های مردمی ایجاب می‌نماید.

مبانی نظری تحقیق

مردم در بیانیه گام دوم انقلاب

استفاده مکرر مقام معظم رهبری از واژه‌هایی همچون مردم (۲۰ بار) و ملت (۱۹ بار) در بیانیه گام دوم در مقابل واژه دولت (۷ بار) و نظام (۹ بار) نشان‌دهنده آن است که گام دوم انقلاب بدون حضور و مشارکت مردم و با کم‌توجهی به منابع مردمی امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، با فهم عمیق و دقیق آن، مبینِ چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت مردم برای تبیین و ترویج آموزه‌های انقلاب اسلامی است. خطاب بیانیه مذکور که جزو مهم‌ترین و راهبردی‌ترین بیانات و آموزه‌های مقام

1. Globalized

معظم رهبری به «ملت ایران» می‌باشد، نیز بر ظرفیت‌ها و نقش کلیدی مردم در گزاره‌های کلیدی گام دوم انقلاب دارد.

حاکمیت مردم در نظام مردم‌سالار

تبدیل رژیم ننگین سلطنت استبدادی به حکومت مردمی و مردم‌سالاری از مهم‌ترین موضوعاتی است که در بیانیه گام دوم به آن اشاره شده است. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی، تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع هم می‌کند. مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی آن است. انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند و همچنین مدیریت این جوانان در فرایندهای ملی از جمله ویژگی‌های برآمده از این تحول به‌واسطه انقلاب اسلامی است. به‌بیان‌دیگر، اصلی‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در گام نخست، انتقال حاکمیت به مردم و تثبیت مردم‌سالاری بوده است. مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی را یک «مردم‌سالاری همه‌جانبه» (۱۳۹۸/۰۴/۱۲، بیانات در دیدار کارگزاران حج) توصیف کرده‌اند. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، همچنین اهمیت «ملت» در بستر یک نظام مردم‌سالار است که ارتقا یافته و شخصیت می‌یابد، وجهه عمومی و دنیایی پیدا می‌کند و عزت و حرمت می‌یابد (۱۳۹۶/۱۱/۲۹، بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی).

مشارکت

واژه‌های «مشارکت» و «مشارکتی» در دهه‌های اخیر برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ پا به عرصهٔ ظهور گذاشت. رواج این واژه در پی آن بود که بیشتر شکست‌های طرح‌های توسعه، به فقدان مشارکت مردم در فرآیند طراحی و اجرای این طرح‌ها نسبت داده شد. توسعه بر مبنای مشارکت مردمی از اواخر دههٔ ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ به‌عنوان یک مفهوم کلیدی و به صورت گسترده در ادبیات توسعه مطرح شد. از شروع سال ۱۹۷۰ دولت‌های درحال‌توسعه به این مسئله واقف شده و توافق دارند که مشارکت در برنامه‌ریزی‌های توسعه ضروری است. بر اساس این

نظریات، مردم حق دارند در امور توسعه و کنترل محیط خود و به دست آوردن رفاه بیشتر مشارکت داشته باشند (ظفری، ۱۳۸۶: ۲۱).

از مفهوم مشارکت، تعاریف متعددی صورت گرفته است. بانک جهانی مشارکت را این‌گونه تعریف می‌کند: فرآیندی که از طریق آن بهره‌برداران بر اقدامات توسعه و تصمیمات و منابعی که آن‌ها را متأثر می‌سازد تأثیر گذاشته و در کنترل آن‌ها سهیم شوند (بانک جهانی و مشارکت[1]، ۱۹۹۴: ۱۶). از نظر هریسون و همکارانش، مشارکت لزوماً فرآیندی است که تضمین می‌کند آن‌هایی که در یک تصمیم سهم یا منفعتی دارند، در اتخاذ آن تصمیم نیز درگیر می‌شوند (هریسون[2] و دیگران، ۲۰۰۱: ۲).

هوئین گواتری[3] (۱۳۷۹) مفهوم و معنای دیگری از مشارکت ارائه می‌دهد: در نظر او مشارکت به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی، عام، چندجانبه، چندبعدی و چندفرهنگی است که سعی می‌کند همه مردم را در مراحل توسعه مشارکت دهد. مشارکت فرآیندی عام و جزو مهمی از طرح سیاسی ملی است، برای دخالت دادن مردم در مرحله تصمیم‌گیری، اجرا، مدیریت، نظارت، ارزیابی، تجدیدنظر در برنامه‌ها، ابتکارهای تازه و سهیم شدن در منافع ضروری است (گواتری و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۵).

اگر بخواهیم باز تعریفی از مشارکت داشته باشیم، این‌گونه می‌گوییم که مشارکت فرآیندی است توسعه‌نگر، داوطلبانه و ارادی که دربرگیرندهٔ سطوح مختلف تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا، ارزیابی و بازنگری بوده که موجبات توانمندسازی افراد و جامعه را فراهم ساخته و در نهایت منجر به ارتقای شاخص‌های توسعه‌یافتگی می‌شود.

مردم مشارکت‌جو

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی مطرح شده است. انقلاب اسلامی «مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی

1. The word bank and participation
2. Harrison
3. Goatri

به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند»؛ بنابراین مشارکت مردمی در چند کارکرد عمومی تجلی یافته است. نخست، فرایند مشارکت سیاسی مردم که محصول انقلاب اسلامی بوده و وجهه‌ای از مردم‌سالاری است. دوم، مشارکت مردم در بحران‌های سیاسی امنیتی، یک کارکرد امنیتی فراتر از نظام‌های سازمان‌یافته امنیت داخلی داشته و توانسته هزینه‌ها و آسیب‌های این بحران‌ها را تا حد قابل‌توجهی کم نماید. سوم، در حوزه فرایندهای ارتقای اجتماعی، ظرفیت‌های عظیم مردمی سطح بالایی از مشارکت را نشان داده و توانسته‌اند مکمل خلأهای موجود باشد.

جامعه مدنی

مفهوم جامعه مدنی اگرچه از جهت منشأ، طرح و بروز تاریخی دارای یک مبدأ واحد نمی‌باشد، اما به‌شدت از جهات مختلف به یکدیگر پیوند خورده است. جامعه از روابط مؤثر فعال، سازمان‌یافته و دوطرفه افراد و گروه‌های اجتماعی پدید می‌آید و مدنیت از استقرار نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که از ویژگی پایداری، پاسخ به نیازها و علایق و آینده‌نگری برخوردارند. مفهوم جامعه مدنی محل تلاقی این دو مفهوم است. به‌این‌ترتیب، در این تعبیر هم زندگی سامانمند اجتماعی و هم جهت و شیوه‌های حاکم بر آن نهفته است (محمدی، ۱۳۷۶: ۷). جامعه مدنی جامعه‌ای است متشکل از گروه‌های ارادی، داوطلبانه، مستقل و خودگردان که با هدف پیشبرد منفعت‌ها و علاقه‌ها و سلیقه‌های افراد تشکیل می‌شوند (مهابادی، ۱۳۸۱: ۲).

جامعه مدنی حوزه‌ای از نهادهای مستقل تحت حمایت قانون است که در آن افراد و اجتماعات از ارزش‌ها و اعتقادات متنوعی برخوردار و گروه‌های خودگردان که در همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر به سر می‌برند، به صورت نهادهای واسطه و داوطلبانه میان دولت و افراد عمل می‌کنند (قوام، ۱۳۸۲: ۱۵۲).

جامعه مدنی به‌طورکلی مجموعه‌ای از ساختارها و سازه‌ها، قوانین و راهبردهای مدون است که بر مبنای اهدافی مغایر با بینش‌های سنتی، خرافی و بسته شکل گرفته است. در این جامعه

انسان گرچه موجودی ممتاز از کل هستی می‌باشد، اما در ارتباط با دیگر اجزای جامعه تعریف می‌شود. انسان جامعه مدنی مسئولیت‌پذیر، صاحب‌نظر و پاسخگوی عمل و آگاه و آزاد است و این پدیده‌ها به‌عنوان مرز جمع و جامعه از اراده و اختیار او نشأت می‌گیرد (قراگوزلو، ۱۳۷۸: ۲۸).

اصطلاح جامعه مدنی معمولاً در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی را در برمی‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۶: ۳۲۹).

تشکل‌های مردم‌نهاد

طی دهه‌های اخیر سازمان‌های مردمی گسترش فراوانی یافته‌اند. این سازمان‌ها گروه‌های ارادی متشکل از افراد یا تشکل‌هایی هستند که با عدم وابستگی به دولت‌ها تلاش دارند تا خدمات عمومی ارائه کرده یا از سیاست عمومی حمایت به عمل آورند. فعالیت‌های اصلی این سازمان‌ها نگرانی‌های عمومی مانند حقوق بشر، حفظ محیط‌زیست، امدادرسانی در بلایای طبیعی و کمک به توسعه است. این سازمان‌ها اطلاعات و تخصص‌هایی فنی که اغلب دولت‌ها بدان دسترسی ندارند، در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند (دائره المعارف بریتانیکا[1]، ۲۰۱۲).

هرچند بیشتر تعریف‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد را خارج از دولت و فعال در بخش خصوصی می‌دانند، اما بخش گسترده‌ای از فعالیت‌های آن‌ها در میان دولت‌های محلی، ملی و بین‌المللی است. این ارتباطات و پیوستگی‌ها اهداف و خواسته‌های جامعه را تأمین کرده و بنابراین، مشروعیت را تعمیق می‌سازد و فرایند دموکراتیزاسیون را با درونی‌سازی هنجارها و قوانین جهانی تسریع می‌بخشد. بر این اساس، سازمان‌های مردم‌نهاد بهترین عوامل جهت فراهم ساختن رهبری برای بازسازی اجتماعی در جهان در حال توسعه است (قوش[2]، ۲۰۰۹: ۲۲۹).

بدین‌سان، سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش دارند تا به‌طور مسالمت‌آمیز به شیوه‌های گوناگون بر سیاست عمومی تأثیر بگذارند. هرچند تاکتیک‌های این سازمان‌ها به‌طور چشمگیری از یکدیگر متفاوت است، اما آن‌ها همگی طراحی شده‌اند تا سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها را تحت تأثیر قرار

1. Encyclopædia Britannica (Nongovernmental organization (NGO)
2. Ghosh

دهند. این امر به دلیل مهارت آن‌ها و دسترسی‌شان به منابع مهم اطلاعات است. تحلیل ارتباط بالقوه بین این سازمان‌ها و دولت‌ها، مسیرهای بالقوه را در توسعه کنونی و آینده جامعه آشکار می‌سازد. در این میان، بررسی علمی شرایط کنونی، چه‌بسا به راهبردهایی جدید در باب چگونگی تأثیرگذاری بر تغییر سیاست دولتی یا تسهیل آن منجر شود. بااین‌وجود، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد رویارویی با صاحب‌منصبان امور عمومی نیست. همچنین آن‌ها نیرویی مخالف برای دولت به شمار نمی‌آیند، بلکه به‌عنوان مشاورانی برای خدمت‌رسانی نقش‌آفرینی می‌کنند (جفری و آلین[1]، ۲۰۱۰).

گروه‌های فرهنگی و جهادی

تشکل‌ها و گروه‌های مردم‌نهاد رسمی و غیررسمی، گستردگی و تنوع زیادی دارند. ما در این پژوهش به بررسی دسته‌ای مشخص از تشکل‌های مردمی می‌پردازیم که اصطلاحاً به آن گروه‌های فرهنگی و مردمی می‌گوییم. این گروه‌ها دسته مشخصی از تشکل‌های مردمی هستند که معمولاً بر اساس سنت، مذهب و انگیزه‌های گفتمان انقلاب اسلامی در میان افراد جامعه به شکل نهادی و خودجوش پدید آمده‌اند و به صورت تخصصی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی فعالیت می‌کنند.

این نوع مشارکت که محصول انقلاب اسلامی و تفکر اسلامی است ویژگی‌های آن عبارت‌اند از داشتن ارتباط محکم و مستمر با جامعه، اتکا به کمک‌ها و نذورات و وقف‌های مردمی برای تأمین مالی، تأکید بر نیازهای فرهنگی و اجتماعی، ارائه خدمات شفاف و مشخص و گاهاً متنوع. این گروه‌ها در قالب‌های رسانه و فضای مجازی و آموزشی و تربیتی، اجرایی، خدماتی، هیئت و موکب، تبلیغ، مشاوره و... در موضوعاتی مثل محرومیت‌زدایی و خدمات جهادی، قرآن، دفاع مقدس، شعر و ادبیات، خانواده و ازدواج، اربعین و... فعالیت می‌کنند.

تعداد و حوزه‌های فعالیت این تشکل‌ها رو به افزایش است که اکثراً اتکا و وابستگی زیادی به دولت و نهادهای حاکمیتی ندارند اما وزارتخانه‌های چون وزارت کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد همچون سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین (بسیج سازندگی و بسیج

1. Geoffroy and Alain

دانشجویی)، قرارگاه فرهنگی بقیه‌الله (عج)، ستاد بازسازی عتبات عالیات و... نسبت به پشتیبانی، شبکه‌سازی و حمایت از این بخشی از این گروه‌های مردمی اقدام می‌کنند.

تبیین مدل مفهومی

در بحران شیوع بیماری کووید ۱۹ تحولات متمایز و متفاوتی در سطح مشارکت مردمی به وقوع پیوست. مهار بحران مستلزم سطح بالایی از انسجام و همیاری مردمی بود. چراکه عمق، سطح و ابعاد گوناگون بحران به حدی وسعت یافت که تقلیل آثار و پیامدهای منفی آن به یک سطح باثبات به‌طور جدی از توان تمام دولت‌ها، حتی دول قدرتمند اروپایی نیز خارج بود. چنین شرایطی با مشارکت گسترده مردمی به‌منظور کنترل و مهار بحران اپیدمیک مذکور به کمک دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی مدیریت شد. این شرایط درست در زمانی در کشور به وقوع پیوست که یک الگوی مشارکت‌محور گسترده با حضور قابل توجه گروه‌ها و مجموعه‌های مردمی در سیل سال ۹۸ و زلزله سال ۹۷ به دست آمده بود. این الگو در بحران کرونا به تکامل بیشتری پیدا کرد. با بررسی شاخص‌های کلیدی عملیاتی، مکانیزم‌های جذب و مشارکت، نحوه تعامل با دستگاه‌های حاکمیتی و حتی ارتقا و رشد مجموعه‌های مردمی، می‌توان سه نوع مواجهه بین دستگاه های بالادستی و گروه‌های مردمی قائل شویم.

بحران کرونا منجر به شکل‌گیری جبهه‌های مردمی مقابله با کرونا در کشور گردید. در این فرایند حضور گسترده تشکل های مردمی در کنار راهبری نهادهای حاکمیتی مأمور به شبکه سازی و هدایت مجموعه‌های مردمی، منجر به مدیریت مؤثرتر بحران و همچنین کاهش قابل توجه ضعف و آسیب‌های نهادهای دولتی و حاکمیتی گردید. بسیج ظرفیت عظیمی منابع مردمی اعم از انسانی، مالی و غیرمادی موجب شد که شاهد مدیریت کارآمد بحران باشیم.

بنابراین نوع مواجهه با بحران در نسبت حاکمیت با تشکل‌ها و مجموعه‌های مردمی می توان سه حالت متصور بود. در حالت اول فقط مجموعه های مردمی کنشگر باشند و دولت و حاکمیت مشاهده‌گر. در حالت دوم دولت کنشگر مقتدر باشد و مردم منفعل و نظاره‌گر؛ و حالت سوم و

ایده‌آل نیز دولت و حاکمیت با همیاری هم بحران را کنترل کنند. نمودار در خصوص ایده فوق‌الذکر به شرح ذیل می‌باشد:

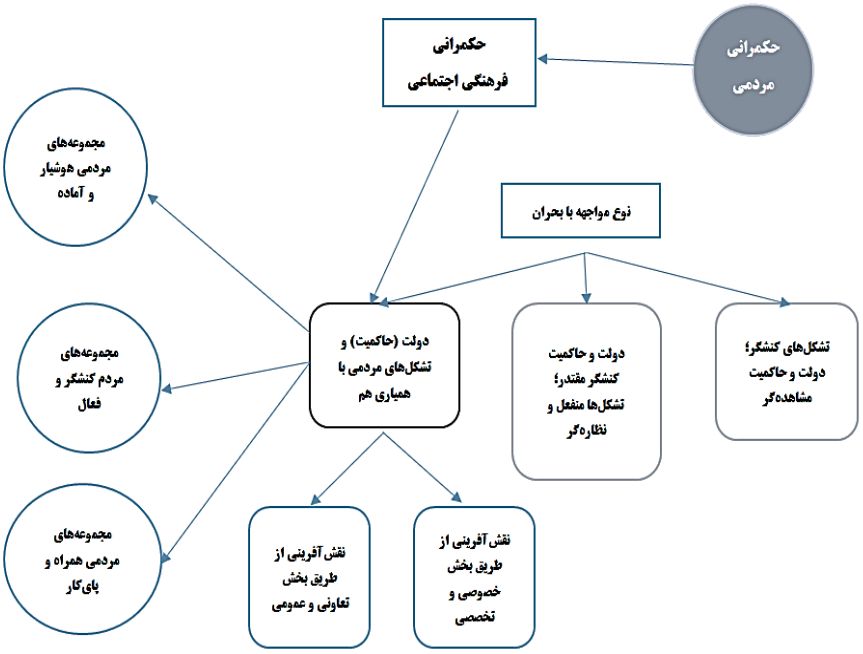

شکل ۱. مدل مفهومی

روش‌شناسی پژوهش

تجزیه‌وتحلیل روندهای اجتماعی مستلزم نوعی رفتارشناسی است. در این رفتارشناسی، گزاره‌های رفتاری مشخصی با بهره‌گیری از استراتژی قیاسی از سوی پژوهشگران برای سنجش و ارزیابی مشخص می‌شود. سپس با انتخاب یک جامعه آماری که معرف و گویای گزاره‌های از پیش تعیین شده باشد، یک‌به‌یک گزاره‌های مذکور موردسنجش قرار می‌گیرند.

در این پژوهش، با روش پیمایش در دو مرحله از پرسشنامه استفاده می‌شود. جامعه آماری توزیع پرسشنامه‌ها، مجموعه فعالان فرهنگی شناسایی‌شده در سامانه شهید باقری هستند و در مرحله دوم مشارکت‌کنندگان جبهه مردمی مقابله با کرونا می‌باشند. توزیع پرسشنامه میان

مشارکت‌کنندگان در مقابله با بحران و ارزیابی نظرات و دیدگاه‌های آنان نسبت به کنش جبهه‌ای که در این زمینه صورت گرفته است؛ و با هدف ارزیابی لایه‌های عملیاتی‌تر و لیدرهای میانی، به تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها و پیمایش‌ها می‌پردازیم.

جامعه آماری نیز ۴۰۰ هزار نفر از فعالان فرهنگی اجتماعی شناسایی‌شده در سامانه شهید باقری بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیاء (عج) در مرحله اول و فعالان فرهنگی اجتماعی دارای کنش در موضوع کرونا در مرحله دوم در نظر گرفته شد. مطابق فرمول کوکران که یکی از پرکاربردترین روش‌های محاسبه حجم نمونه است با خطای ۵ درصد حجم نمونه ما در مرحله ۳۸۴ مورد در نظر گرفته می‌شود.

$$n = \frac{\frac{z^2pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N}\left(\frac{z^2pq}{d^2} - 1\right)}$$

در فرمول بالا N حجم نمونه برابر با ۴۰۰ هزار نفر و d سطح خطای آزمون که ۵٪ در نظر گرفته شده است. ۳۸۴ نفر از ثبت‌شدگان سامانه شهید باقری با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند.

پرسشنامه‌ها به صورت لینک مجازی برای ۵۰٪ مصاحبه‌شوندگان ارسال شد و ضمن توجیه آن‌ها درخواست شد تا با دقت به سؤالات پاسخ دهند و برای باقی مصاحبه‌شوندگان نیز مصاحبه به صورت تلفنی بوده است.

یافته‌ها

سؤال مرحله اول جهت تخمین جامعه آماری فعال در کرونا به این صورت بود که آیا شما در ماجرای بحران کرونا هیچ‌گونه اقدامی جهت مدیریت این بحران داشته‌اید؟

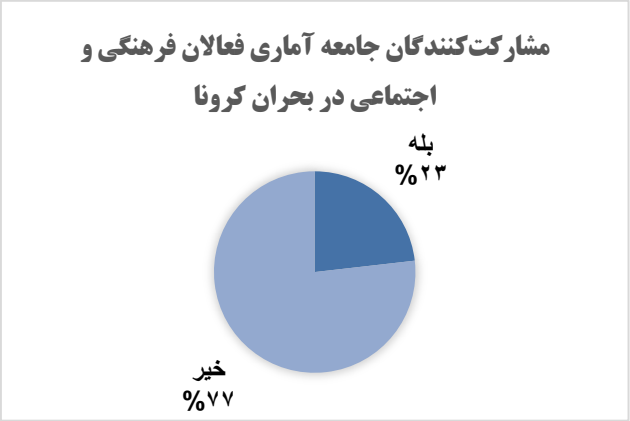

نمودار ۱: میزان کنشگری مؤسسات و مجموعه‌های مردمی

از نمونه ۳۸۴ نفری جامعه آماری ۴۰۰ هزار نفری، ۲۳٪ مشارکت‌کنندگان در موضوع کرونا کنشگر بودند؛ بنابراین می‌توان این‌گونه گفت که با خطای ۵ درصدی ۹۲ هزار نفر از فعالین فرهنگی اجتماعی در بحران کرونا کنش داشته‌اند.

در مرحله بعد پرسشنامه در میان ۳۸۳ نفر از مشارکت‌کنندگان فعال در بحران کرونا توزیع شد. درعین‌حال، تلاش شد تا در وهله نخست جامعه آماری پرسشنامه‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شود که تمام سطح کشور را پوشش دهد. با هدف حفظ اعتبار یافته‌ها، پرسشنامه‌ها در استان‌ها و شهرستان‌های مختلف به تناسب جمعیت آن‌ها توزیع شد. در تفکیک جنسیتی، ۸۳ درصد (۳۱۶ نفر) از مشارکت‌کنندگان در پرسشنامه را آقایان و ۱۷ درصد (۶۷ نفر) را بانوان تشکیل می‌دادند. این تناسب نامتوازن به دلیل آن بود که در سطح عملیاتی و میدانی بانوان حضور کمرنگی داشته و نقش‌آفرینی این قشر عموماً در سطوح پشتیبانی و تأمین اقلام بود. همین‌طور به سبب ماهیت بحران که قرنطینه و حضور در منزل را ایجاب می‌کرد، شرایط برای حضور بانوان در سطح اجتماعی و مشارکت در این فرایند مساعد نبود.

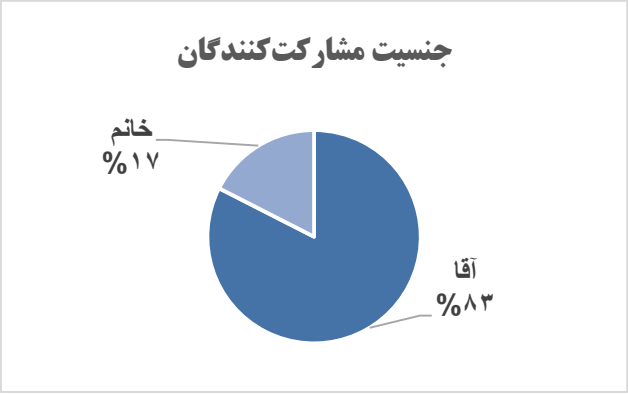

نمودار ۲: جنسیت مشارکت‌کنندگان

همچنین با بررسی وضعیت تأهل مشارکت‌کنندگان، در نهایت داده‌های به دست آمده نشان از مشارکت ۷۵ درصدی (۲۸۶ نفر) از متأهلین و ۲۵ درصدی (۹۷ نفر) مجردها در جامعه آماری داشت. این شاخص همان‌طور که در ادامه ذکر خواهد شد، در کیفیت مشارکت افراد تأثیرگذار است. طبیعتاً طبقه‌بندی تعهدات شخصی یک فرد و میزان مسئولیت‌های خانوادگی وی به‌عنوان سرپرست خانواده و یا عضوی از آن در فرایند مشارکت افراد بسیار تأثیرگذار خواهد بود. در همین حال، این شاخص در بررسی فضای پیرامونی با بررسی نوع دیدگاه اعضای خانواده به مشارکت اجتماعی فرد نیز گویای یافته‌های قابل‌توجهی است.

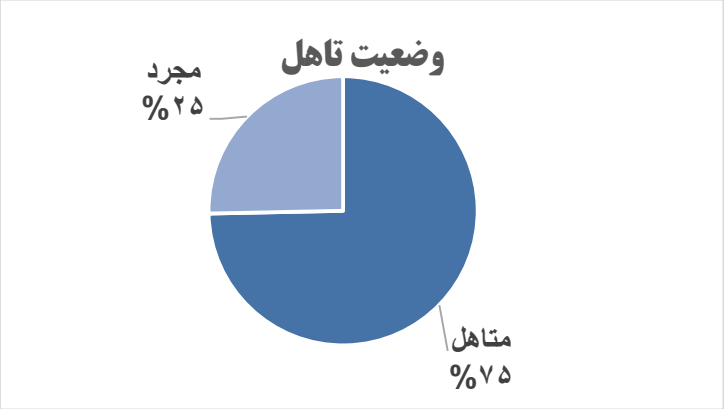

نمودار ۳: وضعیت تأهل در میان مشارکت‌کنندگان

در رده‌بندی سنی مشارکت‌کنندگان نیز با در نظر گرفتن نوع بحران و نیز شاخص‌های اجتماعی مشارکت چهار گروه سنی در نظر گرفته شد. طبیعتاً همان‌طور که انتظار می‌رفت طبقه جوانان بین ۲۰ تا ۳۰ سال بیشترین حجم مشارکت‌کنندگان را در جامعه آماری به خود اختصاص دادند.

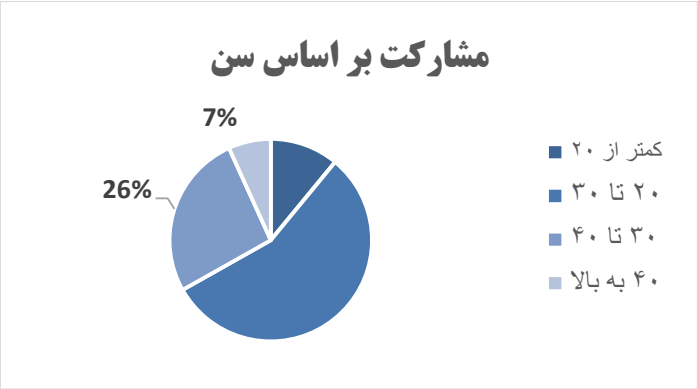

نمودار ۴: پراکندگی رده‌های سنی مشارکت‌کنندگان

در حوزه مذهب ۹۷ درصد از مشارکت‌کنندگان مذهب خود را تشیع و تنها ۳ درصد مذهب خود را از اهل سنت عنوان کرده‌اند. در حوزه مذهب نیز همچون قومیت، فراوانی‌ها منطبق بر نسبت‌های جمعیتی نیست که یک معنای آن می‌تواند مشارکت پایین اهل سنت و برخی اقلیت‌های قومی باشد.

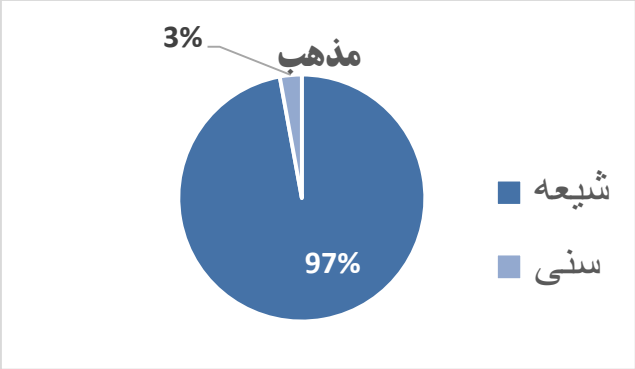

نمودار ۵: تفکیک مشارکت‌کنندگان به لحاظ مذهب

محورهای کلیدی پرسشنامه‌ها

با توجه به هدف پژوهش در بررسی مشارکت مجموعه¬های مردمی، در پرسشنامه‌ها تلاش شد تا محورهای اصلی حول کارکردهای مشارکت متمرکز شوند؛ بنابراین پس از تبارشناسی عمومی مشارکت‌کنندگان و ارزیابی نوع و کیفیت مشارکت آنان، نخستین محورها جهت توصیف مشارکت در عملیات مقابله با بیماری کرونا تنظیم شد. در دوره قرنطینه، ماهیت بحران و میزان مخاطرات آن در یک فضای روانی بزرگ‌نمایی شد و این موضوع هزینه‌های هر نوع مشارکت اجتماعی را برای عناصر و کنشگران به طرز قابل‌توجهی افزایش داد. حضور در اماکن مستلزم صرف هزینه‌های مادی نظیر تجهیزات و ملزومات حفاظتی بود و ضمناً هراس ناشی از ابتلا به بیماری و یا ناقل بودن نوعی فشار روانی را برای کنشگران از سوی خانواده و اطرافیان به همراه داشته است که می‌تواند مؤلفه مهمی در کاهش سطح مشارکت بباشد.

همچنین در پرسشنامه، سؤالاتی در جهت ارزیابی انگیزه‌های اصلی و کلیدی مشارکت‌کنندگان طراحی شد؛ و نیز سؤالاتی در خصوص مهم‌ترین اولویت‌های مشارکت‌کنندگان تنظیم و تلاش کردیم تا برآورد ذهنی مشارکت‌کنندگان از نحوه مدیریت مردمی بحران مورد ارزیابی قرار گیرد.

درعین‌حال، پرسش‌های دیگری نیز در خصوص سابقه مشارکت کنشگران در بحران‌های پیشین، حوزه فعالیت مشارکت‌کنندگان، مدت‌زمان فعالیت در بازه بحران مطرح شده است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

تحلیل نتایج پرسشنامه‌ها

در ادامه، تحلیل مهم‌ترین گزاره‌های رفتاری به دست آمده از نتایج پرسشنامه‌ها به همراه تحلیل گزاره‌های مذکور موردبررسی قرار می‌گیرد:

نوع و سطح مشارکت

در میان مشارکت‌کنندگان ۵۲ درصد اظهار داشته‌اند که در حوزه‌های میدانی مثل ضدعفونی اماکن و معابر، حضور در بیمارستان‌ها، تغسیل و تدفین اموات و... فعالیت کرده و ۴۸ درصد نیز در

حوزه غیرمیدانی نظیر تأمین اقلام پشتیبانی در منزل، فعالیت رسانه‌ای و فرهنگی، انجام هماهنگی و مواردی که کمتر مستلزم حضور فیزیکی بود.

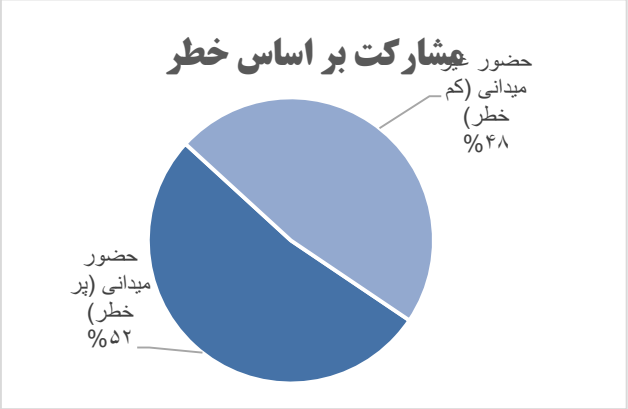

نمودار ۶: نوع فعالیت در مقابله با بیماری کرونا

در همین حال یک برآورد اولیه نیز از میزان فعالیت مشارکت‌کنندگان در زمینه مقابله با بیماری کرونا صورت گرفت. بر اساس نتایج اولیه، ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۲۰ ساعت در ماه در این زمینه وقت صرف کرده و ۳۲ درصد نیز بین ۲۰ تا ۵۰ ساعت در ماه. ۳۳ درصد بین ۵۰ تا ۱۰۰ ساعت در ماه و ۱۶٪ نیز بیش از ۱۰۰ ساعت در ماه وقت گذاشته‌اند. در نمودار زیر یافته‌های پژوهش در خصوص میزان مشارکت افراد نشان داده شده است:

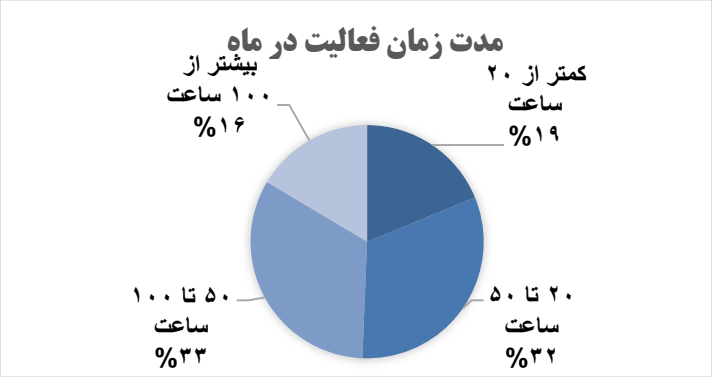

نمودار ۷. میزان ساعات صرف شده در مقابله با بیماری کرونا

همچنین همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اکثر مشارکت‌کنندگان در عرصه امور میدانی و پشتیبانی فعالیت داشته‌اند. کمترین حوزه مشارکت مربوط به فعالیت کنشگرانه در فضای مجازی با ۴ درصد (۲۱ مجموعه) بود. در نمودار زیر اصلی‌ترین حوزه‌های فعالیت مشارکت‌کنندگان قابل مشاهده است. گفتنی است در این بخش مشارکت‌کنندگان می‌توانستند بیش از یک گزینه را به‌عنوان حوزه‌های فعالیت خود انتخاب کنند.

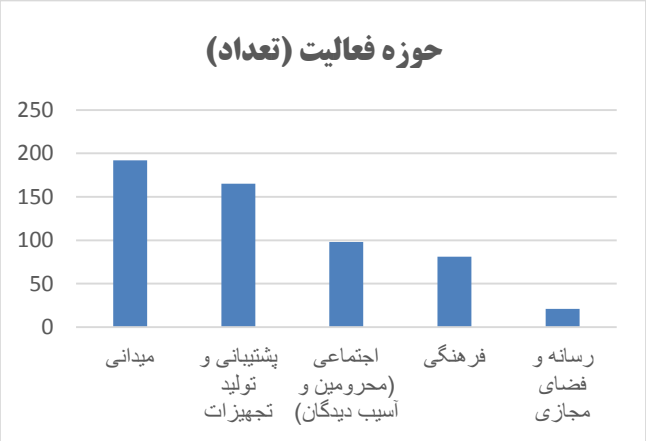

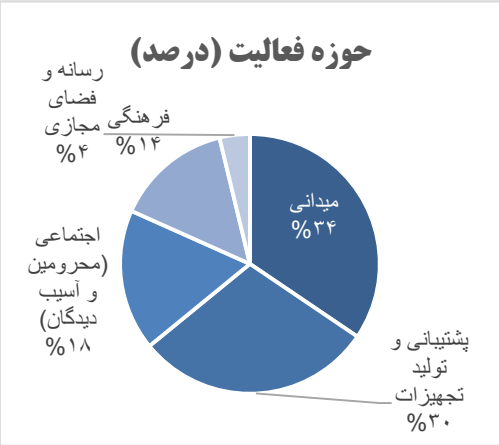

نمودار ۸: حوزه‌های اصلی‌ترین فعالیت مشارکت‌کنندگان

تأثیر محیط بر کنشگران

یکی از مؤلفه‌های مؤثر در مشارکت مجموعه‌های مردمی، ضریب تأثیر هزینه‌های فعالیت از جانب محیط و به‌ویژه اعضای خانواده است. هراس ناشی از بیماری کرونا، اعضای خانواده و اطرافیان مجموعه‌های کنشگر بعضاً به‌عنوان یک عامل بازدارنده از فعالیت ایشان عمل می‌کردند. ۱۹ درصد (۷۳ نفر) از مشارکت‌کنندگان اظهار داشته‌اند که محیط «زیاد» آن‌ها را توصیه به عدم فعالیت جانبی در مقابله با بیماری کرونا می‌کرده‌اند. ۲۴٪ درصد اظهار داشته‌اند که با فشار کمی در این زمینه مواجه بوده‌اند. نکته قابل‌توجه دیگر آن‌که ۶۲٪ از افرادی که پاسخ «زیاد» را انتخاب کرده‌اند، سطح مشارکت آن‌ها کمتر از ۲۰ ساعت در ماه و عمدتاً در حوزه غیر از حضور میدانی بوده است.

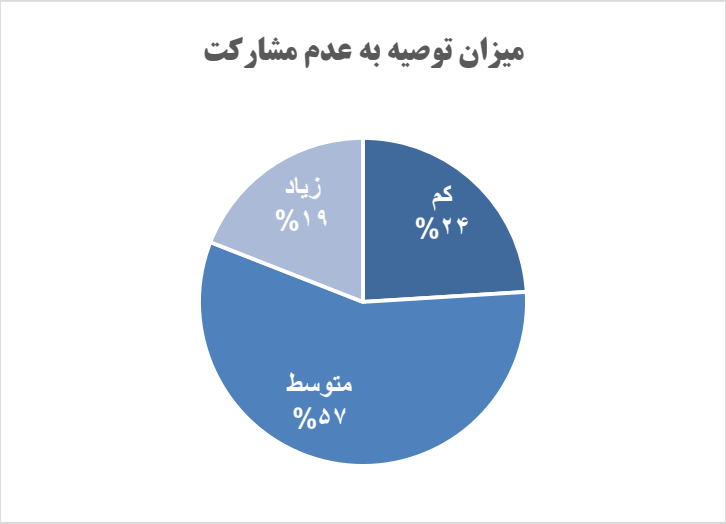

نمودار ۹: میزان منع محیط پیرامونی مشارکت‌کنندگان

بینش کنشگران از میزان اثربخشی فعالیت‌ها

دیدگاه کنشگران از میزان اثربخشی فعالیت‌های خود می‌تواند منجر به بالا رفتن انگیزه کنشگران در مشارکت شود. کنشگران وقتی به این بینش می‌رسند که اقدامات، فعالیت‌ها و هزینه‌های وی اثرگذار و مقرون‌به‌صرفه است، در بحران‌های بعدی نیز کنشگر خواهد بود؛ لذا، علاوه بر

برنامه‌ریزی و هدایت دقیق در حوزه عملیات و کنش مردمی، می‌بایست در زمینه شکل‌دهی دقیق به ذهنیت کنشگران از طریق روش‌هایی نظیر ارائه نتایج ارزیابی فعالیت آن‌ها، اقدام نمود. در نمودار زیر فراوانی پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به پرسشی در خصوص میزان تأثیرگذاری فعالیت‌های آن‌ها در مقابله با بیماری کرونا نشان داده شده است. تنها ۷ درصد گزینه «خیلی کم» را انتخاب کرده‌اند و در طرف مقابل ۱۷ درصد گزینه خیلی زیاد را در زمینه اثرگذاری فعالیت‌هایشان برگزیده‌اند؛ اما اینکه چرا عناصر فرهنگی و اجتماعی با تصور اثربخشی پایین فعالیت‌ها بازهم در عرصه حضور پیدا کردند به دلایل و انگیزه‌های مشارکت برمی‌گردد که در قسمت بعدی موردبررسی قرار گرفته است.

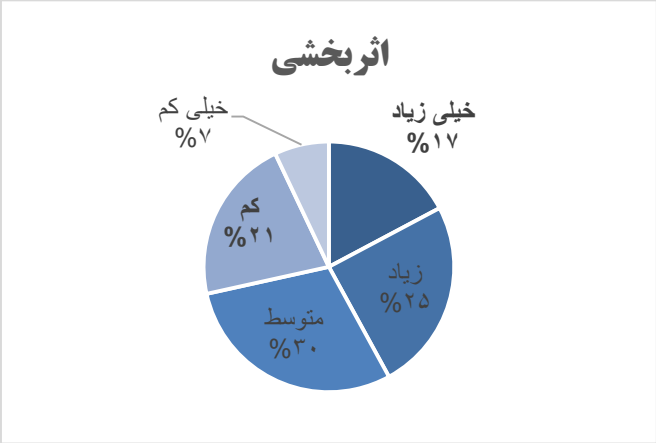

نمودار ۱۰: ذهنیت مشارکت‌کنندگان در مورد اثربخش بودن اقدامات

دلایل و انگیزه‌های مشارکت

مجموعه‌های کنشگر حتی در کنش‌های جبهه‌ای و سازمان‌یافته، برآیندی از انگیزه‌های موضوعی مختلف را برای هزینه فایده، منابع و توان صرف شده و آورده‌های این مشارکت در ذهن خود دارند. میزان انسجام فعالیت‌های جبهه‌ای نیز به میزان زیادی به اشتراک و عمق ارزش‌های افراد وابسته است. به‌بیان‌دیگر، به هر میزان افراد مشارکت‌کننده در یک کنش جبهه‌ای، انگیزه‌های نزدیک‌تر به یکدیگر و با عمق بیشتری داشته باشند، طبیعتاً سطح هماهنگی و هم‌افزایی و اثربخشی خروجی فعالیت‌های مشترک بیشتر خواهد شد.

ازاین‌رو، بخشی از پرسشنامه به دلایل و انگیزه‌های مشارکت کنشگران پرداخته است. بر این اساس، باید سطح اهمیت هر یک از حوزه‌ها مشخص شود. در دسته‌بندی حوزه‌ها نیز انگیزه‌های مرتبط با ارزش‌های انقلاب اسلامی (توصیه‌های رهبری، سیره شهدا و...)، مبانی اعتقادی و دینی (توصیه‌های قرآن و سیره اهل‌بیت)، خواستگاه عقلی و فطری (نظیر حس نوع‌دوستی و بشردوستانه)، عرق قومی و ملی و در نهایت دلایل دیگر نظیر اجتماعی و علائق شخصی و...) مطرح شد. شاید این حوزه‌ها با هم همپوشانی نیز داشته باشند و یا حتی چند مورد از این حوزه‌ها از دلایل مشارکت افراد باشد، اما از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد اولویت اول و انگیزه محرک اصلی را انتخاب کنند.

در اولویت نخست، ۴۲ درصد از مشارکت‌کنندگان اولویت اول و اصلی خود را برای مشارکت در مقابله با شیوع بیماری کرونا «ارزش‌های انقلاب اسلامی» عنوان کرده‌اند. در همین حال ۳۰ درصد از افراد نیز اولویت اول خود را مبانی اعتقادی و دینی و ۱۴ نیز انگیزه مشارکت را دلایل عقلی و فطری می‌دانستند. انگیزه‌های اصلی دیدگاه‌های قومی و ملی نیز کمرنگ و در حد ۵٪ بوده است. در نمودارهای ذیل فراوانی حوزه‌های موضوعی مختلف در اولویت اول مصاحبه‌شوندگان قابل مشاهده است.

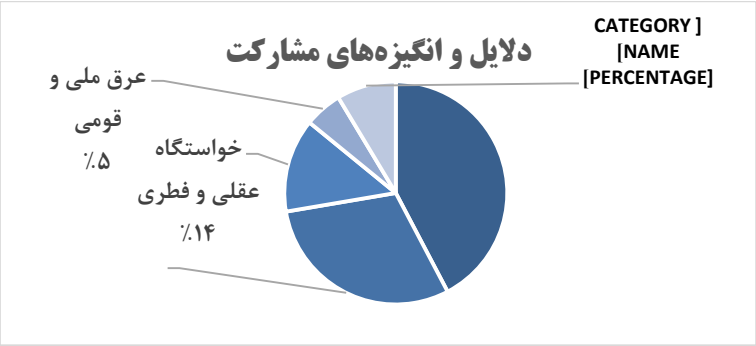

نمودار ۱۱: دلایل و انگیزه مشارکت

سابقه مشارکت

یکی از موارد مطرح در مشارکت عناصر و گروه‌های فعال در بحران کرونا سابقه مشارکت آن‌ها در بحران‌های پیشین است؛ بنابراین از مصاحبه‌شوندگان در خصوص حضور آن‌ها در بحران

سیل نوروز ۹۸، سیل سیستان و زلزله کرمانشاه سؤال شد. ۴۳٪ درصد از مصاحبه‌شوندگان در زلزله کرمانشاه حضور داشتند. بیشترین مشارکت مربوط به سیل نوروز ۹۸ بود که ۶۲٪ مشارکت اظهار شد که بیشترین آن مربوط به سیل خوزستان با حضور ۴۶٪ از کل مصاحبه‌شوندگان بود. در ماجرای سیل سیستان هم حضور حداقلی ۱۶٪ گزارش شد.

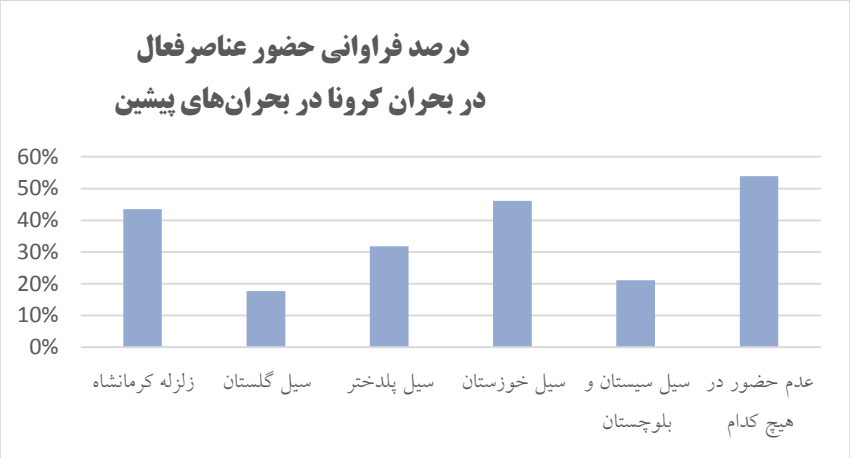

نمودار ۱۲: سابقه مشارکت

نتیجه‌گیری

در هفته‌های نخست همه‌گیری ویروس کرونا در زمینه اقدامات مراقبتی، درمان و حتی پیشگیری، داده متقن علمی تولید نشده بود. یافته‌ها هر روز ابعاد جدیدی را روشن می‌کرد که در واقع علاوه بر نقض برخی فرضیات پیشین، مستلزم واکنش جدیدی بود. همین‌طور برخی پروتکل‌های بهداشتی پیشین مدت کوتاهی پس از اجرا با منطقی نظیر عدم تأثیرگذاری و یا مضرات بیشتر در مقابل مزیت‌ها مواجه می‌شد. این موضوع به لحاظ روانی تأثیراتی بر فضای ذهنی مشارکت‌کنندگان می‌گذاشت.

از سوی دیگر اهمیت مشارکت مردم در مدیریت بحران‌ها از هر نوعی موضوعی مهم در تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب اسلامی است. امامین انقلاب برای مشارکت مردم در برهه‌های حساس

تاریخ انقلاب اسلامی اهمیت ویژه‌ای قائل بودند هرچند در ساختار و سازوکار لازم برای استفاده از این ظرفیت‌های عظیم مردمی در کشور با خلأ جدی مواجهیم.

بر این اساس با توجه به اهمیت مشارکت لازم دیده شد تا به بررسی مشارکت گروه‌های مردمی در مدیریت بحران کرونا پرداخته شود. در همین راستا، با استفاده از مصاحبه، نشست تضارب آرا و مطالعات میدانی اقدام به طراحی پرسشنامه برای توصیف و بررسی مشارکت گروه‌های کنشگر مردمی نمودیم.

طبق نتایج حاصله ۲۳٪ از مجموعه‌ها و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی (از جامعه آماری ۴۰۰ هزار نفری) در بحران کرونا کنشگر بودند که دلایل پایین بودن مطلق این مشارکت را می‌تواند در نوع بحران، منع محیط و هراس ناشی از ابتلا و ناقل بودن بیماری جستجو کرد. منع محیط و خانواده طبق بررسی‌های که برای جامعه کنشگران صورت گرفته است عدد بالای ۵۷٪ را نشان می‌داد. تأثیر محیط بر کنشگران به سبب فقدان نهادینگی منطق مشارکت اجتماعی برای مقابله با بیماری کرونا و صرف محدود شدن این مقابله در قالب قرنطینه و حوزه درمانی در هفته‌های نخست آغاز بحران بسیار تأثیرگذار بود.

بااین‌حال، ۴۲٪ کنشگران انگیزه مشارکت خود را مربوط به ارزش‌های انقلاب اسلامی نظیر فرمایشات رهبر معظم انقلاب می‌دانستند. ۳۰ درصد از کنشگران حضورشان مبانی اعتقادی و دینی و ۱۴ درصد نیز دلایل عقلی و فطری داشته است؛ و کسانی که به دلایل ملی و قومی مشارکت داشتند نهایتاً ۵٪ مشارکت‌کنندگان را شامل می‌شدند. البته می‌توان در یک پژوهش جداگانه این موضوع را به صورت جداگانه مورد کنکاش قرار داد که نوع و میزان فعالیت (از جنس خطر و زمان) هر کدام از این دسته‌بندی‌های مربوط به انگیزه مشارکت در بحران‌های مختلف چگونه بوده است.

جنسیت اکثر مشارکت‌کنندگان همچون بحران‌های پیشین آقا بوده که با توجه به اقتضائات فرهنگی جامعه ایران قریب به ذهن است. ۷۵٪ از کنشگران متأهل بودند. و سن اکثریت مشارکت‌کنندگان کمتر از سی سال (۱۱٪ زیر ۲۰ سال و ۵۶٪ بین ۲۰ تا ۳۰ سال) بوده است که نشان‌دهنده جوان بودن جامعه کنشگران است. همچنین ۹۷٪ از کنشگران شیعه بودند که با توجه به جمعیت بالای اهل سنت در ایران نشان از مشارکت پایین جامعه اهل سنت در این بحران دارد.

۵۲٪ از کنشگران سطح فعالیت‌هایشان از نوع پرخطر بوده است؛ و ۴۹٪ مشارکت‌کنندگان بیشتر از ۵۰ ساعت در ماه وقت خود را به کنش در موضوع کرونا پرداختند. حوزه فعالیت‌های میدانی و اجتماعی به ترتیب ۳۴ و ۱۸ درصد را شامل شده و بقیه مشارکت‌کنندگان در موضوعات پشتیبانی ۳۰٪، فرهنگی ۱۸٪ و فضای مجازی ۴٪ فعالیت داشته‌اند. ۴۲٪ کنشگران فعالیت‌های خود را حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر می‌دانستند. ۳۰٪ متوسط و در مقابل ۲۸٪ اثربخشی فعالیت‌های مجموعه‌های مردمی را کم یا خیلی کم ارزیابی می‌کردند. سطح اثربخشی اقدامات، اعتمادبه‌نفس مجموعه‌های مردمی را در زمینه سودمندی اقدامات ایشان و به‌بیان‌دیگر تناسب هزینه فایده صرف شده در قبال یافته‌ها را تغییر می‌داد؛ اما نکته مهم این بود که ۵۴٪ از مصاحبه‌شوندگان در هیچ‌یک از بحران‌های پیشین مشارکت نداشتند. می‌توان دلایلی برای این مسئله متصور بود از جمله امکان مشارکت در محل زندگی، تعطیلی‌های متعدد و موضوعاتی از این دست.

در پایان باید خاطرنشان کرد که حاکمیت باید به موضوع مشارکت مجموعه‌های مردمی نگاه ویژه‌ای داشته باشد. می‌توان با به نمایش گذاشتن تأثیر اقدامات در مرحله اول، تکریم آن‌ها در فضای اجتماعی و پشتیبانی حداقلی از این گروه‌ها، حضور کمی این گروه‌ها را تا حد قابل‌ملاحظه‌ای افزایش داد. فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی هم که از دلایل و انگیزه‌های مشارکت است می‌تواند تا حد زیادی مؤثر باشد.

فهرست منابع

استوار ایزدخواه، یاسمن (۱۳۸۹). زنان و بلایای طبیعی: آسیب‌پذیر در سوانح یا توانمند در مدیریت بحران. فصلنامه علمی امداد و نجات، دوره(۲)، صفحات.

انگناس، گاس و میتراف ایان (۱۳۸۱). مدیریت بحران پیش از روی دادن: آنچه هر رئیس و مدیری می‌بایست درباره مدیریت بحران بداند (ترجمه محمود توتونچیان). تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

بشیریه، حسین (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی.

پورمحمد، بهزاد و هوشمند مرودستی، محمدرضا (۱۳۸۳). بحران زمین‌لرزه و مدیریت آن. نام مجله، دوره و شماره، صفحات.

پیروزیان، امیر (۱۳۸۵). اصول مدیریتی در بحران. تهران: انتشارات دی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). صورت و سیرت انسان در قرآن. قم: اسرا.

جهانگیری، نام؛ شهرت، نام؛ و شهرت نویسنده پایانی، نام (۱۳۸۹). بررسی میزان مشارکت مردم در مقابله با بلایای طبیعی در استان خوزستان: دیدگاه‌های مسئولین زمستان. نشریه امداد و نجات پژوهشکده علوم پزشکی جهاد دانشگاهی، دوره(شماره)، ۲۱-۱۱.

حبیبی، کیومرث؛ نام؛ شهرت، نام؛ و شهرت نویسنده پایانی، نام (۱۳۸۸). آسیب‌پذیری شهری و GIS. تهران: دانشگاه امام حسین (ع) و پژوهشکده پیامبر اعظم.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۸/۰۴/۱۲). بیانات در دیدار کارگزاران حج.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانات گام دوم انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۶/۱۱/۲۹). بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۹). جبهه‌سازی حلقه میان شبکه‌سازی و گفتمان‌سازی. ماهنامه پاسدار اسلام، ۴۰(۴۶۵)، ۵۲-؟؟؟.

راش، مایک (۱۳۷۷). جامعه و سیاست. تهران: سمت.

رحیمی، ابراهیم (۱۳۹۷). بررسی میزان اهمیت و اولویت‌بندی ابعاد مدیریت بحران از دیدگاه کارکنان. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۸(۱)، صفحات.

رستاقی، حمید راضی (۱۳۹۱). نقش رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حل چالش‌های سیاسی جمهوری اسلامی. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم.

سوده، نام و آزادی، نام (۱۳۷۶). فرهنگ اصطلاحات اقتصادی و اجتماعی، تهران. ۴-۷. مجله است یا کتاب؟؟؟ طبق منابع بالا کامل شود

طالب، مهدی (۱۳۷۳). مشارکت روستائیان در بازسازی مناطق زلزله زده. مجموعه مقالات هشتمین سمینار بین‌المللی پیش‌بینی برای زلزله راهبردهای مقابله با آثار زلزله‌های آینده، مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی.

روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۸). تدوین الگوی جامع مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت. فصلنامه علمی پژوهشی دانش انتظامی، ۱۰(۲)، ۸۰-۶۳.

ظفری، حسین (۱۳۸۶). بررسی مدیریت بازسازی فیزیکی با نگرشی ویژه بر مشارکت مردم (مطالعه موردی بم). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت سوانح، دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران.

عبداللهی، نام (۱۳۹۱). بحران و مدیریت بحران. مجموعه مقالات دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۱). عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

غنی نژاد، موسی (۱۳۷۷). جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قراگوزلو، محمد (۱۳۷۸). جامعه مدنی و قانون گرایی (سه جستار پیوسته). اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۴۵-۱۴۶، صفحات.

قانون مدیریت بحران (۱۳۹۸). ابلاغی طی نامه ۴۴۴۷۳/۹۰ مورخ ۱۳۹۸/۶/۳ (توسط رئیس‌جمهور).

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). موانع تحقق جامعه مدنی. تهران: نشر قومس.

گائوتری و هوئین. ۱۳۷۹. مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داوود طباعی. تهران: نشر روش.

گائوتری، هوئین و دیگران. ۱۳۷۹. مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داوود طباع. تهران، نشر روش.

مانوئل کاستلز. ۱۳۹۷. شبکه های خشم و امید: جنبش های اجتماعی در عصر اینترنت، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: نشر مرکز.

مجید عبداللهی. ۱۳۸۳. مدیریت بحران در نواحی شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

محمدپور، سمیه. ۱۳۹۵. "تحلیل فضایی-مکانی مدیریت بحران های طبیعی در مناطق شهر مشهد با استفاده از مدل ANP، SOWT و GIS مطالعه موردی: (مناطق ۳، ۸ و ۹ شهر مشهد)." پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور مشهد.

محمدی، مجید. ۱۳۷۶. جامعه مدنی به‌منزله یک روش. تهران: نشر قطره.

مسعود کمالی. ۱۳۸۱. جامعه مدنی، دولت و نو سازی در ایران معاصر. تهران: نشر باز.

معصومه نیک‌نیا. ۱۳۹۴. "جامعه شبکه‌ای: بنیادها و کارکردها." فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، سال دوم، شماره ۵ ص ۲۴۸.

مهابادی، سیامک. ۱۳۸۱. "بررسی تاریخی نقش تشکل های غیر حکومتی در تأسیس و استقرار جامعه مدنی در ایران." نشریه پیام یونسکو، شماره ۱۲ ۲.

ناظمی اردکانی، مهدی و محمدجواد الوندی. سال هفتم، شماره بیست و دوم. "دفاع همه جانبه، راهبرد تأمین امنیت نظام اسلامی از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری." فصلنامه آفاق امنیت.

ناظمی اردکانی و الوندی. ۱۳۹۳. "دفاع همه‌جانبه، راهبرد تأمین امنیت نظام اسلامی از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری." فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست ودوم-بهار ۱۳۹۴ ۲۱-۲۲.

هادی زاده بزاز، مریم. ۱۳۸۶. مدیریت بحران در کاهش آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی. مشهد: انتشارات شهرداری مشهد.

هارمن، کریس (۱۳۸۶) تبیین بحران (ترجمه جمشید احمدپور). مشهد: نیکا.

پیتر اوکلی و دیوید مارسدن. ۱۳۷۰. رهیافت های مشارکتی در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نجات حسینی. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.

رابرت چمبرز. ۱۳۷۸. "جابجایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، گاهنامه روستا و توسعه." مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی، شماره ۳ و ۴، سال سوم.

Alexander, David. (2002). Principles of Emergency and Managements. London, Oxford University Press.

Booth, S. (1993). Crisis Management Strategy. London, Routledge Press.

C M Pearson and J A Clair. (1998). Reframing crisis management." Academy of management review, ???, 59-76.

Davies, D. 2005. "Crisis management: Combating the denial syndrome." Computer Law and Security Report, 21(1), https://www.tib.eu/en/search/id/BLSE%3ARN163575874/Crisis-management-combating-the-denial-syndrome/. 68-73.

Donthu, Naveen, Gustafsson, Anders, (2020), Effects of COVID-19 on business and research, Journal of Business Research, Volume 117, September 2020, P. 286.

Geoffroy, V, and R Alain. 2010. "Strategies used by international NGOs to influence public policy." Urgence rehabilitation development, Newsletter N°5.

Ghosh, B. 2009. "NGOs, Civil Society and Social Reconstruction in Contemporary India.." JournalofDeveloping Societies, 25 (2) 228-232.

Gibson, D. C. 2000. "Firestone's failed recalls, 1978 and 2000: A public relations explanation." Public Relations Quarterly,45(4) 10-13.

H D Foster .1980. Disaster planning, the preservation of life and property. New York: Spring verlag.

Harrison. 2001. "wwf Preliminary Comment on Public Participation In the Context of the Water Framework Directive and Integrated River Basin Management Policy." Manchester University Press.

Harrison, and et al. 2001. wwf Preliminary Comment on Public Participation In the Context of the Water Framework Directive and Integrated River Basin Management Policy. Manchester University Press.

j Burnett." . 1998 A strategic approach to managing crisis." Public Relations Review, 484-475 (4) 24.

Kash, T. J. & Darling, J. R." .1998 Crisis management: prevention, diagnosis and intervention." Leadership & Organization Development Journal. 186-179.

Larousse." 2003. Dictionnaire Encyclopédique Larousse." Librairie Larousse, Paris.

Mary B Anderson و Woodrow Peter J." .1989. rising from Ashes." Development Strategies in Times of Disasters; West view Press; UNESCO Paris pp..338

Nudell. 1998. The Hand Book for Effective Emergency and Crisis Management. USA: Lexington Books.

Paraskev, A. 2006. "Crisis Management or Crisis Response System? A Complexity Science Approach to Organizational Crisis." Management Decision, 44(7), http://www.emeraldinsight.com/doi/abs/10.1108/00251740610680587. 892-907.

Rahim, M. A. 2002. "Toward a theory of managing organizational conflict." The International Journal of Conflict Management, 13 (The International Journal of Conflict Management) 206-235.

Shaluf, I. M, Ahmadun Fakharu'l-razi, and Mat Sa Aini. 2003. "A review of disaster and crisis." Disaster Prevention and Management: An International Journal, Vol. 12 Issue: 1, https://doi.org/10.1108/09653560310463829. 24-32.

T Christensen و L Ma." 2018. Coordination Structures and Mechanisms for Crisis Management in China: Challenges of Complexity." Public Organization Review.

T. J Kash و J. R Darling." 1998 .Crisis management: prevention, diagnosis and intervention." Leadership & Organization Development Journal, Vol. 19. No. 4, pp.186-179.

1994. The word bank and participation. Washington D.C: THE WORLD BANK OPERATIONS POLICY DEPARTNMENT.

Wang, Hongying. 1999. "The asian financial crisis and financial reforms in chine." The pacific review, Vol 12, No 4 537-556.